

آیین ازدواج در دین هندوی شیوایی

زهرا حق پرست^۱

علیرضا ابراهیم^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۴ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

چکیده

سنت دینی شیوایی یکی از صورت‌های کهن هندویی است که خاستگاه آن در تمدن دیرپای دره سند قرار داشته و شاخه‌های مختلف آن، هنوز در سراسر شبه‌قاره‌ی هند پیروانی فراوان دارد. این سنت نیز مانند سایر ادیان و فرق، دارای مناسک و ویژه‌ای موسوم به «آیین‌های گذار» است که در چهار مرحله از زندگی فرد (یعنی تولد، تشریف، ازدواج و مرگ) انجام می‌شود. آیین‌های مزبور که تحت عنوان «سمسکاره» شناخته می‌شوند، در واقع تشریفاتی دینی هستند که به منظور مشخص کردن نقاط عطف مهم در پیشرفت زندگی دینداران شیوایی صورت می‌پذیرند و هدف آن‌ها رسمیت‌دادن و متبرک‌ساختن هر مرحله، تعیین وظایف و حقوق دینداران، حفظ افراد در مقابل تأثیرات زیان‌بخش محیط، و سرانجام، اطمینان‌یافتن از ارتباطی سازنده و مستمر با ایزدان است. سمسکاره‌ی ازدواج نیز نوعی تجربه‌ی پیوند میان شیوا و شکتی بوده و متضمن نگاهی ایزدوار به شریک زندگی زناشویی است.

واژگان کلیدی: آیین‌های گذار، سمسکاره، شیوایی، ازدواج، هندویی، هند

^۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادیان غیر ابراهیمی - دانشگاه ادیان و مذاهب

^۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال A_Ebrahim@iau-tnb.ac.ir

مقدمه

سرزمین هند در بردارنده ادیان و گرایش‌های دینی متفاوت است و قدیمی‌ترین دین این سرزمین پهناور که هنوز هم پابرجا و بالنده می‌باشد، آیین هندوست. دین شیوا یکی از صور گوناگون سنت‌های هندویی است که پیروان بسیاری را به خود اختصاص می‌دهد. این گرایش بر پرستش شیوا، خدای کهن که مفاهیم متباینی را در خود دارد، متمرکز است. شیوا، خدایی پیش آریایی است که در طی زمانی نسبتاً طولانی، جایگاه ویژه‌ای در دین هندویی به دست آورد. این سیر تحول با توجه به متون مقدس اصلی هندو قابل درک است. افزون بر این، می‌توان مشاهده کرد که بقایای فرهنگ تمدن پیش آریایی، به ویژه تمدن شهرهای موهنجودرو و هرپا، پس از استیلای اقوام هندواروپایی و انقراض تمدن‌های شهرنشین آن دیار به کلی محو نشده بود و در قشرهای پایین و پست جامعه‌ی دینی هند و در میان اقوام بومی دراویدی نژاد آثاری از آن باقی مانده بود، رفته‌رفته سر برآورد و همچون مکتب یوگا و آیین شیوایی، ارکان مهم دین هندویی امروز را تشکیل داد. شیواپرستی اشکال نظام‌مند بیشتری در فرقه‌های درونی شیوایی به خود می‌گیرد که هر یک با وجود برداشت متفاوت خود، اصول اعتقادی ویژه‌ای دارند.

در شخصیت خدای شیوا (رودره) که محور دین شیوایی به شمار می‌رود، قدرت‌ها و ویژگی‌های متباینی همچون باروری و ریاضت، خلقت و نابودی، خیر و شر، آریایی و ماقبل آریایی، با یکدیگر آمیخته‌اند. شیوا از یک سو، به نیروهای حیات، و از سوی دیگر به نیروهای رهاننده از قید حیات مربوط می‌شود. شیوا از جنبه‌ای دیگر، خدایی است که با ریاضت و یوگا همراه است. شیوا خدای رقص (نته-راجه) نیز هست و در این مقام، عالم را با رقص خود می‌آفریند و نگه می‌دارد. خداوند صرفاً با تجلی شخصیت فیاض خویش، عالم هستی را به طرب برمی‌انگیزد، اما هنگامی که دست از فعالیت می‌کشد، کیهان آشفته می‌شود و به دنبال دوره‌ی آفرینش، عصر تباہی فرا می‌رسد، پس شیوا خالق، نگه‌دارنده و ویران کننده جهان است.

خاستگاه شیوایی

بررسی خاستگاه شیواپرستی با مطالعه دوره پیشاوده‌یی آغاز می‌شود، که به طور کلی بر یافته‌های حفاری‌های دو منطقه هرپا و موهنجودرو استوار است. جان مارشال اولین کسی است که با آوردن دلایل بسیار، تاریخ تمدن دره سند را تعیین کرد.^۱ وی پس از تحقیق و بررسی دقیق اشیای مکشوف در این منطقه، به این نتیجه رسید که مردم آن زمان در آن واحد از چند دین، که همزیستی کاملی با هم داشتند، پیروی می‌کردند. به عبارت دیگر، دین در آن دوره شکل تلفیقی داشته‌است. از میان این‌ها دو آیین از همه بیشتر رواج داشت: یکی آیین مادر یا شکتی و دیگری آیین شیوا. تصور می‌شود که این دو، در تاریخ مذهبی اخیر، در دو آیین شیوا و شکتی رشد کرده‌اند. همچنین، به نظر می‌رسد آیین مادر در آیین شیوا ادغام شده‌است، چون مادر یا شکتی به عنوان همسر شیوا نشان

۱. Marshall, John, *Mohenjodaro and the Indus Civilisation*, New Delhi, 1996, vol. I, p.102.

داده می‌شود. آیین‌های کم‌اهمیت دیگر، همچون پرستش درخت و پرستش اشیاء بی‌جان که به صورت پراکنده موجود بودند، بعدها در آیین‌های اصلی ترکیب شدند.^۱

بسیاری از محققین اثبات کرده‌اند که آیین مبتنی بر پرستش اندام‌های جنسی (فالیک) ارتباط نزدیکی با آیین شیوا دارد و کشف سنگ‌هایی در اندازه‌های متفاوت که شبیه اندام نرینگی نیز هستند، صحت این تشخیص را تأیید می‌کند.^۲ گاهی پیشنهاد شده است که آیین فالیک و پشوپتی در دوره موهنجودارو، اگر چه در ابتدا مستقل بودند، اما با گذشت زمان یکی شدند. ترکیب این دو مذهب بی‌گمان با پرستش لینگا^۳ در آیین شیوا در دوره‌های بعدی آشکار می‌شود.^۴

شیوا ۱۰۰۱ اسم دارد که صفات او را توصیف می‌کنند. ذکر نام‌های او لطف و عنایت شیوا را تضمین می‌کند. دوگانگی و تضادی که در ورای معانی این نام‌ها قرار دارد، ذات غیرقابل فهم شیوا را مجسم می‌کند.^۵ او سلاح‌های خطرناکی در دست دارد اما در عین حال لطف هم می‌کند، به پاکی آیینی اهمیت نمی‌دهد و برهنه و یا با پوست ببر ملبس می‌شود، به گردنش مارها و جمجمه‌هایی آویزان است. مرکبش گاوی نر (ندی) است و نیزه‌ای سه شاخ حمل می‌کند. در نگاهی دیگر شیوا حتی در طبقه و صنف انسان‌ها توصیف نمی‌شود؛ او نیمه مرد و نیمه زن است. وی معلم یوگا، موسیقی، معرفت، و کتاب مقدس است.^۶

شیوا وحدت بنیادی هستی را نشان می‌دهد که در وجود او همه تضادها باهم سازگار می‌شوند. او هم خالق و هم ویرانگر است. هم آورنده مرگ است و هم غالب بر مرگ و بیماری است، حتی از او استدعا می‌شود که بیماری‌ها را علاج کند. او بزرگ‌ترین مرتاضی است که بر امیال و آرزوها غلبه کرده و بدنش را به خاکستر آغشته و دائماً در محوطه‌های مرده‌سوزی رفت‌وآمد می‌کند. در عین حال شهوت‌ران، و عاشق‌ترین و سینه‌چاک‌ترین شوهر نیز هست.^۷

در نتیجه‌ی تاثیرات آیین تنتره، شیوا نیز در مقام خدای محوطه‌های مرده‌سوزی نمایان می‌شود که حلقه‌ای از جمجمه به گردنش آویخته و با خاکستر آغشته شده است. وی شخصیتی دوگانه دارد: ترسناک و مهربان. یکی از

۱. N.R. Bhatt, *SHAVISM in the light of Epics, Puranas and Agamas*, Indica books, 2008. p.61.

۲. Marshall, p. 54.

۳. Linga.

۴. R. Bhatt, P.68.

۵. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.

shiva- An Introduction

۶. Nandi.

۷. Winand M. Callewaert, *Gods and Temples in South India*, MANOHAR, 2005, Pp.46-47.

۸. *Indian Gods And Myth*, Grange, 1998, p.36.

نام‌هایش «مهربان»^۱ است، اما هنگامی که به شیطان و دیوان حمله می‌کند وحشی و خشن می‌شود.^۲ واژه‌ی شکتی که به معنی انرژی است، دلالت بر همسر (یا همسران) و مظاهر قوای شیوا دارد. بنا به اعتقاد شیواییان تتریک، بدون شکتی که نیرو و انرژی شیوا است، شیوا قادر به خلقت و انهدام نیست و همچون جسدی ضعیف و عاجز، منفعل می‌ماند. شکتی پیوسته جزء لاینفک از شیواست و پیدایش محسوس جهان را توجیه می‌کند. نیرو منشا همه چیز و سرچشمه جهان محسوس است. بدون شکتی خدایان، مرده، منفعل، ناشناخته و موهوم اند.^۳ برای نمونه، دوی یا مهادوی (خدایانوی بزرگ) دارای نقشی بسیار پیچیده و قدرتمندترین شکتی است. ویژگی این خدایانوی ترکیبی از خدایانوی مادر پیش‌آریایی و همسر شیوا است و در نقش همسر شیوا شکتی یا نیروی زنانگی نام می‌گیرد و در این نقش آینه تمام نمای شوهر خویش در داشتن نقش‌های متعدد است. در هریک از این نقش‌ها نامی خاص می‌یابد (ستی، پارواتی، دورگه، کالی). اسطوره‌های زیادی از آن‌ها در کتب مختلف و به‌خصوص در پورانه‌ها آمده است.^۴ هریک از اینان دارای سرشتی ملایم و هم تندخو هستند؛ و این دوگانگی احتمالاً به نقش دوره پیش‌آریایی این ایزدبانوان در نقش موجد حاصلخیزی و باروری و نیز قربانی‌کننده موجودات زنده باز می‌گردد.^۵

پروتی نیز از شکتی‌های شیوا است که برای همه زنان متأهل و مجرد الگوی پرستش است و ایزدبانوی بسیار نیکخواه و خیراندیش می‌باشد. هرگاه که دختران مجرد برای شوهران منتخبشان و یا شوهری که در آرزوهایشان است به درگاه او دعا می‌کنند او نیز به آنان موهبت عطا می‌کند. همچنین زنان متأهل برای طول عمر شوهرانشان به درگاه او استدعا می‌کنند که همه چیزشان بعد از ازدواج به آن بستگی دارد. زنان، برای پروتی احترام بسیار قائل‌اند، زیرا وی همسرش را بسیار دوست می‌داشت و پروتی نگهبان و سرپرست همه زنان است.^۶

در اسطوره‌ها آمده، پروتی شیوا را آرام کند و گرایش‌های ویرانگری و زاهدانه او را متعادل می‌کند. او توانست شیوا را در حوزه زندگی خانوادگی وارد می‌کند و با نگاه‌های مهربانش به او تاکید می‌کند که جنبه‌های رقص را کاهش دهد.^۷ پروتی هرگز در معابدش تنها نیست او همیشه با شیواست. شیوا و پروتی به عنوان زوج، هیچ فرزندی نداشتند هرچند کاریکیه و گنشه به عنوان پسران آنها پذیرفته شده‌اند اما تولد آن‌ها نتیجه پیشامدهای

۱. the Friendly one.

۲. Winand M. Callewaert, p.43.

۳. Daniélou, Alain, *The Myths and Gods of India*, inner Traditions International, 1991, Pp.254-255.

۴. Ibid., p.256.

۵. ایونس ورونیکا، ص ۱۶۲.

۶. Winand M. Callewaert, Pp.50-51.

۷. DavidnR. Kinsley, "KĀLĪ, Blood and Death Out of Place", *Devī, Goddesses of India*, John S. Hawley And Donna M. Wulfe, Delhi, 1998, p.81.

عجیب و شگفت انگیز است.^۱

آیین‌های گذار و اهمیت آن در ادیان هندویی

اصطلاح «آیین‌های گذار» برابر نهاد واژه انگلیسی «Rites of passage» که آن نیز به نوبه خود برگردان واژه-ی فرانسوی «Rites de passage» است. این اصطلاح را نخستین بار وان ژنپ (یا خنپ)^۲، دانشمند انسان‌شناس فلاندری، در کار آغازینش که در ۱۹۰۹ انتشار یافت، باب کرد. وان خنپ این اصطلاح را برای دسته‌بندی آداب با آیین‌هایی به کار برد که گذار یا انتقال انسان از یک مرحله به مرحله‌ی دیگر زندگی را نشان می‌دهد. یکی دیگر از این اصطلاحات که پیش‌تر برای این نوع انتقال به کار می‌رود و در فرهنگ‌های گوناگون رایج است «آداب چرخه زندگی»^۳ است.^۴

مناسک گذار دسته‌ای از شعائر هستند که انتقال شخص را از یک مرحله، نقش و یا از یک موقعیت اجتماعی به مرحله دیگر مشخص می‌کنند، و تجربه‌های فرهنگی و انسانی را با تقدیر زیستی، تولد و تولیدمثل و مرگ، ادغام می‌کند. این مناسک در همه گروه‌ها بین جوان و پیر، مونث و مذکر، مرده و زنده تمایز می‌گذارد.^۵ وان ژنپ ذیل مقوله آداب گذر، سه زیرمقوله برای آن قائل است؛ شامل آداب جدا شدن، آداب انتقال و آداب پیوستن یا ادغام.

آیین‌های گذار نقش چشمگیری در حیات انسان مذهبی دارند. مسلماً آیین گذار برای شناسایی سن بلوغ برای گذر از یک گروه سنی به دیگر گروه سنی ارائه شده‌است. لیکن آیین‌های گذاری نیز برای زمان تولد، ازدواج و مرگ وجود دارند و می‌توان گفت که هر یک از این موارد همیشه نیازمند شناسایی است، چون هر کدام از آنها بر تغییر میانی در وضع وجودشناسی و اجتماعی دلالت دارد.

هنگامی که کودکی متولد می‌شود، فقط دارای وجودی طبیعی است و هنوز جامعه او را به رسمیت نشناخته است. برگزاری آیین‌های تولد به کودک موقعیت «شخص زنده‌ی» حقیقی می‌بخشد و فقط به کمک این آیین-هاست که وارد جامعه می‌شود.

در ازدواج نیز گذر از یک گروه اجتماعی-مذهبی به دیگر گروه وجود دارد. شوهر جوان با آیین‌های خاصی گروه مجردان را ترک می‌کند و از آن پس جزئی از گروه روسای خانواده‌ها می‌شود.

آیین‌های مرگ کلاً پیچیده‌ترند، زیرا نه فقط «پدیده‌ای طبیعی» است بلکه تغییری در وجودشناسی و وضع

۱. Bahandur, Om Lata, p.52.

۲. Arnold van Jennepe.

۳. life-cycle rites.

۴. جان آر. هینلز، فرهنگ ادیان جهان، سرویراستار ع. پاشایی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۶. ص ۱۴.

۵. Patrick Olivelle, "Hindu Rites", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol.12, p. 387.

اجتماعی نیز هست؛ شخص مرده نه تنها باید آزمون‌های دشوار معینی را که به تقدیر خاص او پس از حیات ارتباط دارد تحمل کند، بلکه باید جامعه مردگان او را به رسمیت بشناسد و در میان آنان پذیرفته شود. کسی که بر طبق رسوم دفن و یا سوزانده نشود، مرده به شمار نمی‌آید؛ یعنی مرگ متوفی، حتی پس از برگزاری مراسم تدفین، تا وقتی که به گونه‌ای آیینی در دنیای دیگر انتقال نیابد و در آنجا جامعه مردگان او را نپذیرند، معتبر شناخته نمی‌شود.^۱

در کتب سنتی هندوها و گزارش‌های منقول از آن بیش از ۴۰ آیین فهرست شده‌است. تقریباً می‌توان گفت هندوئیسم یکی از گسترده‌ترین نظام‌های آیین‌های چرخه‌ی زندگی را داراست. این دین، آیین‌های گذار لحظه-های حساس و مهم در زندگی انسان را از تولد تا مرگ مشخص می‌کند و در کل به همه آن‌ها سمسکاره^۲ می‌گویند. واژه سمسکاره، معانی غنی و گسترده‌ای دارد و مهم‌ترین آن، که نشان دهنده ماهیت اصلی مکتب شیواپرستی است، به معنای «پاکی» یا «پالایش» است. بسیاری از آیین‌های سمسکاره‌ی تولد مبتنی بر آن است که نوزاد را از ناپاکی‌هایی که از وجود قبلی منتقل شده و یا از تولد فیزیکی‌اش که خود آلودگی به همراه دارد، پاک گرداند. برگزاری مراسم سمسکاره در زمان‌های مناسب در شکل‌گیری شخصیت کودک و به کمال رسیدن او یاری می‌رساند. برای همین، معنای دیگر سمسکاره «ایجاد» یا «ساختن» می‌باشد. سمسکاره به جایگاه معنوی شخص کمک می‌کند تا همچون عضوی هماهنگ در جامعه هندو رشد و پیشرفت کند. این واژه به معنی «نقش-بستن» هم به کار می‌رود که به تاثیر روانی این آیین بر شخصیت اخلاقی، عاطفی و عقلی فرد اشاره دارد.^۳

از دیدگاه شیواییان، زندگی سفری مقدس است که هر لحظه‌ی آن با مراحل احساسی و زیستی مهمی نشانه-گذاری شده‌است پس به طور کلی هدف از برگزاری این مناسک در این سنت، رسمیت دادن، متبرک ساختن، تعیین وظایف و حقوق افراد، حفظ پیروان در مقابل آثار زیان بخش محیط و در نهایت ارتباط سازنده افراد با ایزدان است.

آیین‌های بسیاری در زندگی پیروان این سنت وجود دارد؛ از آیین‌های بارداری گرفته تا مراسم مرده سوزی، و هر کسی که به طور شایسته و صحیح آنها را به‌جا آورد، حیات معنوی اختیار کرده است و فرهنگ هندویی را حفظ می‌کند.^۴ به‌طور کلی توافق یکسانی، در میان منابعی که مناسک گذار یا سمسکاره را برمی‌شمرد، بر سر تعداد سمسکاره‌ها حاصل نشده است. عده‌ای تعداد آن‌ها را ۴۰ و گروهی نیز تعداد آن‌ها را فقط ۱۲ سمسکاره برشمرده‌اند، اما متن‌های سنتی معتبر ۱۶ سمسکاره را برشمرده‌اند. البته خود این متون به تفاوت‌های محلی و

۱. میرجا الیاده، مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله زنگویی، انتشارات سروش، ۱۳۷۵، ص ۱۳۷.

۲. Samskāra.

۳. Gwynne Paul, p.131.

۴. SatguruSivayaSubramuniyaswami, *Dancing with Śiva*, Himalayan Academy, 2003, p.110.

طبقاتی در اجرای مراسم اذعان می‌کنند.^۱ این سمسکاره‌ها با توجه به فرقه، منطقه، کاست و جنسیت تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند. سنت سمسکاره عمیقاً به عنوان بخشی از میراث هندویی شناخته شده‌است. از ۱۶ سمسکاره موجود نه‌تای آن مربوط به زمان تولد و دوران کودکی است که این اهمیت بالای سالهای اولیه زندگی انسان را نشان می‌دهد.^۲ شیواییان به عنوان یکی از شاخه‌های آیین هندو میراث‌دار بخشی از این آداب و رسوم یا سمسکاره‌های متعدداند. شاید بتوان گفت که آیین شیواپرستی با شاخه‌های دیگر هندویی در انجام سمسکاره‌های مرسوم اشتراک بسیاری دارد و فقط در نحوه برگزاری برخی از آن‌ها با دیگر فرقه‌ها تفاوت دارد و یا برای توضیح فلسفه وجودی آن‌ها تفسیر خاص خود را دارد.^۳

در این مناسک اعضای خانواده و دوستان جمع می‌شوند که فرد را تبرک کنند و او را از هر گزندی حفظ کنند. همه آیین‌های اصلی در خانه برگزار می‌شوند. پرستارهای خانوادگی را دعوت می‌کنند که مهم‌ترین آیین‌ها را اجرا کنند، اما معمولاً خانواده‌ها اجرا کننده‌های اصلی آیین‌های گذار هستند.^۴ اعضای خانواده یا روحانی با مراسم ودایی و منتره‌ها، خدایان را برای اعطای موهبت و محافظت در طول نقاط عطف مهم فرا می‌خوانند، برای پیشرفت جمعی و روحی فرد به نیایش می‌پردازند.^۵

سمسکاره ازدواج

ازدواج یا ویواه^۶ مرحله دیگری از سمسکاره‌های زندگی است که بنا به نظر خود هندوها یکی از مهم‌ترین آیین‌ها در زندگی هندو است. نظر به اهمیتی که هندوها به روح و تناسخ و مباحث مرتبط به آن می‌دهند ازدواج را نقطه شروع و ایجاد تولد و آفرینش روح جدید یا برگشتن روح‌های پیشین است محترم و مهم شمرده و به آن ارزش بسیار می‌دهند، به طوری که اعتبار یک مرد قبل و بعد از ازدواج قابل قیاس نیست به عنوان نمونه فقط مرد متأهل مجازست قربانی‌های دینی را به‌جا آورد. علاوه بر این، او تنها کسی است که از اعضای خانواده‌ی متعلق به هر چهار آشرمه‌ی زندگی مراقبت می‌کند (مردهای مجرد فقط مسئول خویشاوندی هستند که به دو آشرمه‌ی اول تعلق دارند).^۷ به این نحو نقش مرد متأهل در جامعه هندو محوری است. هرچند که چنین مردی را فقط بعد از پسر دار شدن کامل می‌دانند، اما آغاز این انجام، ازدواج است. از همین روست که شیواییان در توصیف ازدواج می‌گویند: ازدواج عبارت است از نهاد، کسب و کار، شراکت معنوی، ارتقای بشریت و قرارداد، قراردادی که شامل

۱. Patrick Olivelle, p.387.

۲. Gwynne, Paul, *World Religions in Practice*, Blackwell Publishing, 2009, p.127.

۳. Ibid, p.131.

۴. بَرّاز وَنگو، مَدهو، ص ۱۴۲.

۵. Satguru Sivaya Subramuniyaswami, p.110.

۶. Vivāha.

۷. بَرّاز وَنگو، مَدهو، ص ۱۴۷.

جسم، ذهن و احساس است. ازدواج عبارت است از یک تعهد ضروری که هم به ادامه نسل انسان، و هم به ارتقای معنوی روح هر فرد می‌انجامد. ازدواج تعاملی در تمام سطوح بین زوجین، و بعدها فرزندان آنهاست که کرمه‌های خوب و بد و آشفته را به صورت ابعاد جدیدی در می‌آورد. در ازدواج‌های شیواییان این تحول نه تنها عروس و داماد، بلکه والدین آنها، گورو، طالع‌بین، خویشاوندان دوطرف و کل جامعه را دربرمی‌گیرد. احساس مسئولیت در قبال جامعه همواره وجود دارد و احساس مسئولیت پذیری جامعه برای تأثیرگذاری خوب ازدواج‌ها نیز همیشه وجود دارد.^۱ فلسفه و تفسیر ازدواج در نگاه شیواییان بار معنایی برتری دارد که احتمالاً به دلیل اعتقاد پایدار به یگانگی جاودانه‌ی خدای شیوا در درون هر فرد می‌باشد. به قول آنها «ایزد شیوا در درون شماست، و شما در درون شیوا هستید. زندگی شیوا، زندگانی ماست» شیواییانی که به مقامات معنوی بالا رسیده‌اند، این جملات و جملات دیگری با این مضمون را برای زوج‌های جوان تکرار می‌نمایند. از نظر آنها، فراموش کردن این که شیوا در درون زن است، یا فراموش کردن اینکه شیوا در درون شوهر است یعنی فراموش کردن خود آیین شیوا. اعتقاد اساسی شیواییان مبنایی روانشناختی را برای شوهر بنا می‌کند که همسرش را به عنوان شکتی و همسر نیز شوهرش را به عنوان یک ایزد بنگرد. یک زن به شوهر خود انرژی معنوی^۲ می‌دهد، و او را قوی می‌کند. فرزندان نیز انرژی‌های خود را از والدینشان می‌گیرند، زیرا در نظر آنها والدینشان شیوا- شکتی یا اولین گورو هستند. زنی که همواره به نیازهای شوهرش توجه دارد، الگوی خوبی برای فرزندان است. او با متمرکز کردن انرژی‌هایشان در درون خانواده‌اش جوئی معنوی را در خانه ایجاد می‌کند. شوهر در انجام وظیفه و وظایف دینی خود، عشق و وفاداری و انرژی‌های معنوی‌اش را به خانواده خود می‌بخشد، و از این طریق به جامعه سود می‌رساند. او هرگز صدایش را در خانه بلند نمی‌کند، و به هیچ وجهی از خود خشمی نشان نمی‌دهد. او الگویی برای کل خانواده است. وقتی پسران او به بلوغ می‌رسند، اصول زندگی خود را با پدر پیوند می‌دهند، و در نتیجه خانواده، جامعه و کشور رشد می‌کنند.^۳

انواع ازدواج

گونه‌های مختلفی از ازدواج در میان هندوها رواج دارد که آنها را رتبه‌بندی کرده‌اند. بیشتر متون معتبر سنسکریت هشت نوع ازدواج را فهرست کرده‌اند. با این که تعداد کمی از این انواع ازدواج همچنان عملی می‌شوند، اما نمونه‌هایی از آنها را در ادبیات حماسی سنسکریت راماینه و مهابهارته و همچنین در دیگر ادبیات کلاسیک هندو یافت می‌شود. علاوه بر مورد معمولی ازدواج که به واسطه والدین انجام می‌شود، آیین هندو، به اشکال قانونی ازدواج عاشقانه نیز بها می‌دهد.^۴ بنابه رسوم پیروان شیوا، ازدواج‌های عاشقانه که والدین آن را

۱. Satguru Sivaya Subramuniyaswami, 2004, p.265.

۲. Prāṇa.

۳. Satguru Sivaya Subramuniyaswami, 2004, p.265-266.

۴. Klaus. Klostermaier, 2007, p.150.

ترتیب نمی‌دهند، در صورتی کاملاً مورد قبول هستند که طالع‌بینی عالی داشته باشند، والدین هر دو طرف توافق داشته باشند، و دختر و پسر جوان از یک فرقه مذهبی یکسان باشند. البته، این ایده‌آل‌ها همیشه برآورده نمی‌شوند.^۱ با این مقدمات سمسکاره ازدواج و آیین‌های مرتبط با آن ارائه می‌گردد. به‌طور خلاصه، سمسکاره ازدواج مجموعه آیین‌هایی از مرحله انتخاب همسر تا انجام مراسم عروسی و رفتن به خانه مشترک را در برمی‌گیرد. هر چند که پایه و شالوده اصلی آیین‌های مذکور در میان تمام هندوها کمابیش یکسان است اما در انجام جزئیات برخی فعالیت‌ها میان شاخه‌های مختلف هندو و همچنین میان هندوهای پیشین و امروزی تفاوت‌هایی گاه معنادار مشاهده می‌شود.

زمان ازدواج

بنا به آن‌چه در سمسکاره تشریف تاکید گردید اجازه ازدواج بعد از انجام مراسم تشریف به جوان داده می‌شود، یعنی ضروری است که جوان ابتدا آداب، امور مذهبی و دینی خود را فرا گیرد که بنا به تفاوت‌هایی که ذکر گردید ممکن است حتی چند سالی طول بکشد و پس از آن می‌تواند ازدواج کند. برای زنان هندو که آیین تشریف ندارند، مراسم عروسی‌شان همان تشریف است. زنان معمولاً در اوایل جوانی ازدواج می‌کنند.^۲ تا پایان قرن نوزدهم در میان هندوها ازدواج کودکان رایج بود و همچنان در بعضی مناطق شایع است. در ابتدا رسم ازدواج کودک برای طبقه برهمنان بود اما بعد از مدتی بقیه کاست‌ها نیز آن را پذیرفتند. در سال ۱۸۹۰، حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۰ سال بود و در سال ۱۸۹۱ به دوازده سالگی و در ۱۹۲۹ به چهارده سالگی رسید. امروزه سن ازدواج برای عروس ۱۸ و برای داماد ۲۱ سال در نظر گرفته شده است.^۳

مرحله شناسایی و آشنایی

اولین قدم در ازدواج پیدا کردن همسر مناسب است. منابع با تاکید به رضایت فرزند وظیفه انتخاب را بر عهده والدین می‌گذارد.^۴ این رسم که تقریباً در میان جوامع شرقی مشترک است نقش مهم و به‌سزایی به والدین می‌دهد، هرچند اکنون و با گسترش فضای مجازی ممکن است، انتخاب اولیه در میان جوانان صورت پذیرد و پس از آن والدین به تحقیق و تفحص می‌پردازند. خانواده‌ی دختر به صورت سنتی، مسئولیت بزرگی در تدارک ازدواج دختران‌شان دارند. بسیاری از صاحب‌نظران هشدار داده‌اند که با عدم مدیریت در ازدواج دختران به خانواده‌ها آسیب می‌رسد، حتی برخی به زنان توصیه می‌کنند که اگر خانواده‌شان در یافتن شوهر برای آنان درمانده‌اند،

۱. Satguru Sivaya Subramuniyaswami, 2004, p.306.

۲. برای سن ازدواج و ازدواج بیچه‌ها مراجعه شود به:

Pandey 1969:182-191.

۳. Axel Michaels, p.113.

۴. بَرّاز وَنگُو، مَدهو، ص ۱۴۷.

خودشان شوهر مناسبی انتخاب کنند.^۱

برخی منابع برای ویژگی‌های همسر منتخب مواردی را نیز ذکر می‌کنند مانند این که مرد باید دوشیزه‌ای را انتخاب کند که «نه موهای خیلی زیادی داشته‌باشد و نه خیلی کم، نه سیاه‌چهره باشد و نه زردچهره، نه فلج باشد و نه بدترکیب. او نباید با دختری ازدواج کند که تبهکار یا ناسالم باشد، اصل و نسب پایینی نداشته‌باشد، بی‌فرهنگ نباشد، بیماری ارثی نداشته‌باشد، ظاهر مردانه نداشته‌باشد، صدایش خس‌خس نکند، پوست زمختی نداشته‌باشد، ناخن‌های سفید و چشمان قرمزی نداشته‌باشد، قامت متوسطی داشته‌باشد. وی همچنین نباید در خویشاوندی پنج-درجه از مادرش دور شود و هفت درجه از پدرش.»^۲

معیارهای دیگری نیز برای ازدواج در نظر گرفته می‌شوند. تحصیل و شغل از عواملی هستند که به طور فزاینده‌ای در معیارهای ازدواج ارزش‌گذاری می‌شوند. همین‌طور مسائل خانوادگی، مثل طبقه خانواده و قوم و خویش و شایستگی‌های شخصیتی عروس و داماد نیز در نظر گرفته می‌شوند. یک عروس ایده‌آل، نشانه‌هایی از فرخندگی با خود دارد، خوشایند به نظر می‌رسد، داشتن برادر نیز یک امتیاز برای عروس به شمار می‌آید، ضمن این که شایسته است وی از هر گونه بیماری و مشکل سلامتی عاری باشد و همچنین باکره باشد یعنی قبلاً ازدواج نکرده باشد.^۳ زایایی و قدرت باروری زن نیز مهم است. در خاتمه این بحث اشاره می‌گردد که فلسفه ازدواج به تولید نسل ختم می‌گردد. زنی سعادتمند و خوش‌یمن است که اولاً بارور باشد و ثانیاً بتواند فرزند پسر به دنیا بیاورد. به گفته‌ی کتب مقدس، پسر می‌تواند والدینش را از جهنم بیرون بکشد. وجود او نه تنها برای غرور خانواده و برای تداوم دودمان آن، بلکه همچنین برای سعادت معنوی در جهان پس از مرگ نیز ضروری است. بدون مراسم یادبود مرگ که پسر بزرگ آن را انجام می‌دهد، شخص متوفی برای همیشه به شکل روح باقی می‌ماند.^۴ برای داماد نیز خصوصیات مدنظر می‌باشد. داشتن ظاهر خوب، مردانگی، تحصیلات خوب در وده‌ها، پاکدامنی و دانایی، خصوصیات است که به صورت سنتی در داماد خوب وجود دارد.^۵

ازدواج طبقات مختلف

شاید مهم‌ترین معیار که ابتدا باید بررسی شود همسانی طبقاتی عروس و داماد باشد. به همین دلیل ازدواج در طبقات مختلف ممنوع و یا حداقل ناپسند و نکوهیده است. مطابق نظام کاستی با این که اسنادی چون منو و یجَنیه-ولکیه^۶ اجازه ازدواج زنی از طبقه پایین‌تر با مردی از طبقه بالاتر را می‌دهند، اما این کار ایده‌آل نیست. از طرفی

۱. Sushil Mittal and Gene Thursby, *The Hindu World*, Routledge, 2004, P.349.

۲. Klaus. Klostermaier, 2007, p.151.

۳. Sushil Mittal and Gene Thursby, p.349.

۴. Klaus. Klostermaier, 2007, p.151.

۵. Sushil Mittal and Gene Thursby, p.349.

۶. Yājñavalkya.

دیگر، وصلتی که در آن یک زن از طبقه بالاتر با مردی از طبقه پایین تر، ازدواج می کند، از نظر سنت ناخوشایند و در برخی موارد در قانون هندو ممنوع است. هر چند مصوبه ازدواج هندو در سال ۱۹۵۵ برخی از این موانع ازدواج را لغو کرد. اما قرائن حاکی از آن است که همچنان این سنتها پابرجا است و طرفدار دارد. به عنوان نمونه، آگهی های مدرن مربوط به ازدواج در روزنامه ها سندی است بر این که خانواده های هندو همچنان بر ازدواج زن و مردی از یک طبقه و کاست ارزش می نهند. در آیین هندو برخی ممنوعیت های قانونی دیگر نیز وجود دارد، مانند این که ازدواج اعضای یک خاندان با هم یا ازدواج افرادی با یک گروه خونی همسان نوعی زنای با محارم محسوب می شود و در اکثر مکاتب قانونی آیین هندو ممنوع است.^۱

پس از مرحله شناسایی، مهمترین بخش تحقیق و آشنایی با خانواده مورد نظر است. زمانی که یک همسر انتخاب می شود، به طور محرمانه، تحقیق های غیر رسمی توسط یکی از خویشاوندان و دوستان وی انجام می شوند. اگر پاسخ آن ها دلگرم کننده باشد، پدر دختر با پدر پسر ملاقات کرده و به او پیشنهاد ازدواج می دهد، البته در برخی از جوامع هندویی و شیوایی این پدر پسر است که پیشنهاد ازدواج می دهد. اما در بعضی جوامع روستایی هندو، فقط پدر دختر را موظف به پیشنهاد می داند. زمانی که توافقی نسبی ایجاد شد، خانواده ها در خانه ی دختر جمع می شوند تا بیشتر با هم آشنا شوند و به دختر و پسر اجازه دهند تا درباره ی زندگی خود با هم دیدار و بحث کنند. مرحله شناسایی با گفتگوهای دوطرف نیز ادامه می یابد.^۲

علاوه بر تحقیقات و متعاقب آن گفتگوهای طرفین خصوصاً زوجین، خانواده ها با طالع بین و گوروی خانواده مشورت می کنند، و طالع تولد دختر و پسر را مقایسه می کنند، زیرا یکی از فاکتورهای تاثیرگذار در ارزیابی دو خانواده از همدیگر، نتایج طالع بینی است.^۳ اکثر طالع بین های سنتی یک یا دو دوه دارند که به آن ها کمک می کنند تا دانشی در خصوص گزارش های کیهانی و بینشی را در خصوص قدرت های سیاره ای که کره ها را سوق می دهند، ارائه کنند. سازگاری طالع بینانه نیز بین دختر و مادر شوهر آینده اش جست و جو و کسب می شود. نتایج حاصله زمانی جدی گرفته می شوند که آن ها در یک خانه زندگی کنند زیرا در این خصوص عروس تحت هدایت مادر شوهرش است و ممکن است زمان بیشتری با او سپری کند تا با شوهرش. او در ازدواج با پسر، دختر مادر آن پسر می شود. البته جاذبه ی متقابل و رضایت کامل زوج حائز اهمیت است.^۴

مرحله نامزدی یا شناخت زوجین از یکدیگر، ممکن است ماه ها و حتی چند سال طول بکشد. نکته ای که جالب و حائز اهمیت است، تاکید بر عجله نداشتن برای حصول نتیجه می باشد. بنا به اعتقاد راسخ شیواییان، هرگز

۱. Sushil Mittal and Gene Thursby, p.349.

۲. Ibid, p.306.

۳. Sushil Mittal and Gene Thursby, p349.

۴. Satguru Sivaya Subramuniyaswami, 2004, p.306.

نباید یک احساس فوریت برای این کار یا هر تعهد مادام‌العمر دیگری وجود داشته باشد. همان طور که جنانه - گورو شیوا یوگاسوامی بسیار خردمندانه گفته: «عجله نکنید. نگران نباشید. تأسف نخورید.»^۱

بعد از توافق طرفین نیز بلافاصله عروسی سر نمی‌گیرد. سمسکاره عروسی که با مراسم نامزدی و اعلام قبول ازدواج از طرف داماد شروع می‌شود، به صورت سنتی می‌تواند سال‌ها قبل از انجام تشریفات مذهبی و کامروایی و به پایان رسیدن مراسم ازدواج، اتفاق بیفتد. امروزه مراسم نامزدی چند سال قبل از شامگاه جشن عروسی شروع می‌شود.^۲ پس از توافق ازدواج، هدایای سخاوتمندانه‌ای بین هر دو خانواده رد و بدل می‌شود تا عشق وفاداری را بین دو خانواده تحکیم کنند. گاهی نیز نامزدی قبل از روز ازدواج صورت می‌گیرد.^۳ یعنی فاصله عقد و عروسی یک‌روز بیشتر نباشد. هر چند که به نظر این کمتر اتفاق بیافتد.

گفتگوها و توافقات پیش از ازدواج

در مرحله شناخت و توافق اولیه بین دختر و پسر فرایندهایی باید طی شود. نخست افشای صادقانه رازهای گذشته می‌باشد. در این زمان هر کسی در خانواده و دوستان با اطمینان زیاد، حتی به صورت ناشناس، همه موانع این ازدواج را که باید شناخته و درک شوند با گوروی خانواده در میان می‌گذارند. باید افشای کامل و صادقانه زندگی پسر و زندگی دختر از جمله تجربیات جنسی آن‌ها برای هر دو خانواده و نیز برای گورو صورت گیرد. به عبارتی دختر و پسر بایستی اعتراف صادقانه‌ای از گذشته خویش داشته باشند. این امر اگر به درستی ادا گردد امر مهمی در حفظ پاکدامنی دختر و پسر در مرحله مجرد محسوب می‌گردد.^۴

مرحله بعد انجام تعهدات است. آنچه در میان هندوها خصوصاً شیواییان مرسوم است این است که قبل از مراسم ازدواج، عروس و داماد هر کدام تعهدی دستی می‌نویسند، و به یکدیگر تعهد وفاداری می‌دهند. آن‌ها با این کار تعهدات، ایده‌آل‌ها، انتظارات و عشق خود را رسمی می‌کنند. زوج این اسناد را با هم به اشتراک گذاشته و مطرح می‌کنند، با دقت آن‌ها را می‌خوانند و اصلاحات لازم را انجام می‌دهند تا توافق صددرصد حاصل شود. این تعهدات بایگانی می‌گردند اما زمانی که رابطه‌ی آن‌ها از مسیر خود خارج شود به این عهد و پیمان‌های مفصل مراجعه می‌شود. هر یک از دو خانواده نیز تعهدی کتبی می‌نویسد و مادر و پدر عروس، و مادر و پدر داماد آن را امضا می‌کنند و متعهد می‌شوند کارهای که در زمینه ارته، کامه، درمه و مکشه باشد را برای آن‌ها انجام دهند. چنین شهادت‌نامه و گواهی‌های کتبی در حمایت از ازدواج آن‌ها، از سوی پدر بزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها، عموها، و عمه‌ها، دایی‌ها، خاله‌ها، برادران، و خواهران و نیز اعضای جامعه مذهبی بسیار استقبال می‌شوند.^۵ بنا به

۱. Ibid, p.307.

۲. Sushil Mittal and Gene Thursby, p.349.

۳. Klaus. Klostermaier, 2007, p.151.

۴. Satguru Sivaya Subramuniyaswami, 2004, p.307.

۵. Idem.

سنت و برای بهتر کردن زندگی زن و مرد بهتر است که حتی در صورت نداشتن اختلاف، سالی یک بار در طول زمان مقدس خاصی، توافق نامه ازدواج خود را بیرون بیاورند و با هم بررسی کنند که در کجا سست و وظیفه-شناس بوده اند. آن‌ها در ذهن خود وقایعی را مرور می کنند که همچنان به صورت سمسکاره های منفی زندگی زناشوی شان را به لرزه می اندازد و با تواضع معذرت خواهی می کنند و درخواست بخشش و راه چاره می نمایند.^۱

تشریفات مراسم عروسی

بعد از گذر روزهای نامزدی و آمادگی خانواده های طرفین روز عروسی تعیین می گردد. زمان عروسی گاه به طور قراردادی بر اساس موقعیت شناسی خانواده ها و گاه به کمک تقویم نجومی و برهمن خانواده، روز مبارکی را برای ازدواج تعیین می کنند. با رسیدن موعد تعیین شده، سمسکاره ی عروسی شروع می شود. این سمسکاره شامل چند بخش مهم و برخی جزئیات و حواشی نه چندان ضروری می باشد که به ترتیب ارائه می گردد. تقریباً می توان گفت همه اشکال ازدواج در بردارنده این چند آیین هستند: هدیه دادن به دختر، دست ها را محکم گرفتن یا دادن حلقه ها، خواندن حکمت های ودهی، قدم زدن دور آتش، هفت قدم، و به خانه رفتن.

هرچند برخی از آیین ها در هر منطقه یی فرق دارد، اما آداب ذکر شده همه جا یکسان اند و هسته مراسم را تشکیل می دهند. مراسم واقعی ازدواج در ضیافتی به اوج خود می رسند که اغلب آن قدر مجلل است که خانواده-های فقیر وام های کمرشکنی می گیرند تا از عهده ی مخارج برآیند و برای تمام کسانی که انتظار دارند دعوت شوند غذا تهیه کنند. با توجه به موقعیت میزبان، اسب یا فیل تزئین شده ای باید اجاره شود، رقاصان و نوازندگان باید مهمانان متعدد را سرگرم کنند و همچنین هزینه ای به برهمنان به خاطر اجرای مراسم پرداخت شود. مراسم از منطقه ای به منطقه ای دیگر متفاوت است، اما هر جایی الگوی خاصی را دنبال می کنند که پرمعنی و به آداب و رسوم باستانی متکی است.^۲

آیین ازدواج را روحانی خانواده که به طبقه ی برهمن تعلق دارد به جا می آورد. روز عروسی، داماد معمولاً همراه با دوستان و خویشان فراوان به خانه عروس می رود. عروس لباس قرمز براق می پوشد که نماد عشق و ایمان است، و داماد لباس سنتی سفید که نماد پاکی و آرامش است. داماد وارد خانه پدر عروس می شود. ورود به خانه با اتفاق همراهان انجام می گیرد. والدین عروس دست عروس و داماد را در دستان هم می گذارند. بنا بر گزارشی دیگر پدر داماد از پدر عروس می خواهد که دست عروس را در دست وی گذارد، آن گاه دست داماد را نیز گرفته و در دست عروس می گذارد و رسماً آن را به داماد پیشکش می کند.^۳ پس از آن مراسم انتقال مسئولیت اجرا می شود که در آن مسئولیت عروس از پدرش به داماد منتقل می شود. داماد دست عروس را می گیرد و اعلام

۱. Idem, p.308.

۲. Klaus K. Klostermaier, 2007, p.151.

۳. بَرّاز وَنگو، مَدهو، ص ۱۴۷.

می‌کند: «من دست تو را برای ازدواجی سعادت‌مند می‌گیرم، پس با من، شوهرت، می‌توانی به سن پیری برسی». اُلفت و نزدیکی این ازدواج با اجرای مراسم لمس قلب بدین صورت انجام می‌شود که داماد قلب عروس را لمس می‌کند و زیر لب دعایی برای تقدس ازدواج، فکر و قلبشان زمزمه می‌کند. برای تصویب تعهد به ازدواج، زوج سه مرتبه دور آتش مقدس می‌چرخند. در همین حال داماد دعایی^۱ می‌خواند و در مراسم تلقیح منتره عوض می‌شود.

این منم، آن تویی، تو آنی، من اینم، من آسمانم، تو زمینی. من سامه‌وده هستم، تو ریگ وده‌ای. بیا، اجازه بده با هم ازدواج کنیم، بیا نطفه‌هایمان را یکی کنیم. بیا فرزندانمان به دنیا بیاوریم. بیا پسرانی با طول عمر زیاد داشته باشیم. عزیز یکدیگر و روشنایی هم باشیم، افکارمان مشتاق هم باشد. باشد که صد سال با هم زندگی کنیم.^۲ معمولاً، این آداب را جلو یک آتشدان آجری به‌جا می‌آورند. برهنه با عروس، داماد، و پدر و مادر عروس و داماد، کنار آتش، یا آگنی، می‌نشینند. خانواده و دوستان دعوت شده، دور این گروه حلقه می‌زنند در حالی که برهنه آداب ازدواج را به‌جا می‌آورد. در آیین عروسی، مثل پُرجا، ناقوس می‌زنند، سرودهای ودایی می‌خوانند، و گل‌های معطر، روغن حیوانی، غله نپخته، و خیلی چیزهای دیگر از این نوع مواد را به صورت افشانی به آگنی می‌ریزند.^۳

آتش مقدس چون شاهدهی برای پیمانشان و پیوستن درمه است، عروس پیشکش‌هایی چون دانه غلات و روغن حیوانی به آتش تقدیم می‌کند که نماد کامیابی و باروری وصلت عروس و داماد هستند. عروس در حالی که دانه‌ها را تقدیم می‌کند دعا می‌کند: «همسرم زندگی طولانی داشته باشد و خاندانم رونق یابد. امیدوارم این دانه‌ها کامیابی را برای ما و وصلت‌مان بیاورد.» هر بار که داماد پاهای عروس را روی سنگ می‌گذارد، این کلمات را تکرار می‌کند: «روی این سنگ پا بگذار، همچون سنگ استوار باش، بر دشمنان غلبه کن، دشمن را لگدمال کن.» سپس تازه داماد بر روی دستان عروس روغن حیوانی می‌ریزد، برادر عروس نیز سه بار دانه‌های برنج را بر روی دستان آن‌ها می‌ریزد. تازه داماد روبان موی عروس را باز می‌کند و این کلمات را می‌گوید: «من تو را از بندهای و رونه رها می‌کنم.» پس از آن مراسم قربانی آتش یا مراسم هفت قدم را اجرا می‌کنند، بسیاری عقیده دارند برای این که ازدواج قانونی باشد باید این آیین انجام شود. عروس همراه داماد هفت قدم برمی‌دارد و هر بار پای راست خود را بر کُپه‌ای از دانه‌های برنج قرار می‌دهد و می‌گوید: «امیدوارم یک قدم برای قدرت، یک قدم برای توانایی، یک قدم برای ثروت، یک قدم برای خوشبختی، یک قدم برای اولاد و یک قدم برای اوقات خوب برداری. امیدوارم با قدم هفتم با من دوست شوی! امیدوارم به من وفادار باشی. بیا پسران زیادی به دنیا آوریم.

۱. Āśvalāyana Gṛhyasūtra 1.7.6; pāraskara Gṛhyasūtra 1.6.3.

۲. Sushil Mittal and Gene Thursby, p.350.

۳. بزاز ونگو، مدهو، ص ۱۴۸.

امیدوارم آن‌ها عمر درازی داشته باشند». برهمنی که مراسم را اجرا می‌کند سر عروس و داماد را نزدیک هم می‌آورد و آن‌ها را با آب تر می‌کند. طی این مراسم عروس به موازات داماد می‌ایستد و پای راست خود را روی سنگ آسیابی می‌گذارد، که نمادی از نیروی درونی زن و تعهد محکم‌اش به ازدواج و وظایفش در مقام زن است. سپس به آفتاب نگاه می‌کنند و به ستاره قطبی خیره می‌شوند. در این مراسم عروس دعاهایی زمزمه می‌کند: «در خانواده شوهرم پایدار باشم»، «همسرم سال‌ها زنده باشد و فرزند به دنیا بیاورم». در واقع عروس با نگرستین به خورشید پاکدامنی خود را اظهار می‌کند. با بالا رفتن از سنگ تعهد و وفاداری خود را به پیمان‌اش اعلام می‌کنند و با خیره شده به ستاره‌ی قطبی که نماد ثبات است، استواری خود را نشان می‌دهند.^۱

گره زدن ریسمان یا گردنبند

امروزه مراسم بستن گردنبند یا منگله‌سوتره^۲ که بنا بر اعتقاد آنان گره زدن سعادت است، یکی از برجسته‌ترین آیین‌ها در این سمسکاره است. نوع منگله‌سوتره با توجه به طبقه‌ها، خویشاوندان، مناطق، قدرت مالی و گروه‌های مذهبی متفاوت است. گردنبند ممکن است ریسمان کتانی ساده باشد که در زردچوبه خیسانده می‌شود تا به رنگ طلایی درآید، یا گردنبند محکم طلایی باشد، یا به ظرافت یک رشته نخ سیاه باشد که سنگ‌های طلایی رنگ و مهره‌های سیاه‌رنگ آن را آراسته‌اند. به عنوان آخرین مرحله‌ی مراسم ازدواج، داماد منگله‌سوتره را به نشانه‌ی خوشبختی و سعادت و منزلت و آبروی عروس، دور گردن او می‌بندد. این رسم خاص در دستورالعمل‌های مربوط به مراسم ازدواج در متون کهن سنسکریت دیده نشده پس منتره‌های سنسکریت معمولاً با اهدای ریسمان ازدواج همراه نیستند. منگله‌سوتره یکی از برجسته‌ترین نمادهای ازدواج است که زنان هندو دارند و کاربرد آن شبیه حلقه ازدواج است که زنان در دیگر فرهنگ‌ها استفاده می‌کنند. وقتی شوهر می‌میرد معمولاً زن منگله‌سوتره و دیگر زیورآلات را که نشانه خوش‌یمنی ازدواج است را در می‌آورد.^۳ نزد شیواییان هنگامی که تمام توافقات حاصل شوند مادر پسر، دختر را با یک گردنبند طلا آرایش می‌کند. پسر و دختر هدایایی همچون حلقه‌های نامزدی را رد و بدل می‌کنند. سپس در حضور بزرگترهایشان، تعهداتشان را به یکدیگر می‌خوانند.

آیین‌های خوش آمد گویی و ورود به خانه

خوش آمد گویی در ازدواج شامل یک جشن بزرگ است که معمولاً تازه عروس و داماد تمرین مهمان‌نوازی می‌کنند، این یکی از وظایف پرهیزکارانه‌ی صاحب‌خانه‌هاست و ملزم به انجام آن هستند. معمولاً عروس و داماد از تک‌تک مهمانان پذیرایی می‌کنند و در ظرف هر مهمان مقدار زیادی روغن حیوانی می‌ریزند.^۴ مرحله بعدی این سمسکاره، فرآیندی است شامل سفر تشریفانی به خانه‌ای که زوج صاحب آن می‌شوند. وقتی عروس وارد خانه

۱. Klaus. Klostermaier, 2007, p.152.

۲. maṅgalasūtra-dāna یا tali-bandhana.

۳. Sushil Mittal and Gene Thursby, p.351.

۴. Idem.

می‌شود، ابتدا برای خوش‌یمنی با پای راست به ظرفی از برنج یا گندم که در آستانه در قرار گرفته ضربه می‌زند، که نمادی از کامیابی و زایایی این زوج است. پس از آن، عروس به خانواده وارد می‌شود. ورود عروس به خانه‌ی جدیدش را خوش‌آمد می‌گویند؛ این خوش‌آمدگویی اغلب توسط اعضای خانواده شوهر انجام می‌شود و یکی از زنان خانواده به او تبریک می‌گوید. سپس طبق سنت‌های خانوادگی یا منطقه‌ای مجموعه‌ای از مراسم زنانه اجرا می‌شود. در سال‌های اخیر، آیین ورود به خانه معطوف به خیرات و تضمین‌کننده باروری عروس جدید است. در گزارشی ذکر شده است که عروس در حال ورود به خانه‌اش است بگوید: «امیدوارم شادی شما در اینجا با پسران و دخترانتان افزایش یابد.»^۱ با هر هدیه‌ای که داماد می‌دهد دعا می‌کند: «پرچاپتی برایمان فرزند خلق کند.»^۲ امروزه اندکی از خانواده‌ها مراسم قربانی را که نیازمند آتش‌خانگی است به‌جا می‌آورند.^۳ البته برخی معتقدند که در ابتدا عروس به خانه خود وارد نشود و سه شب بعد از مراسم عروسی را در خانه پیرزنی برهنه که شوهر و بچه‌هایش زنده‌اند سپری کند.^۴

متون کهن برای تازه عروس و داماد یک دوره سه روزه روزه‌داری، ریاضت، و تجرد را توصیه می‌کنند و به دنبال آن در روز چهارم به طور رسمی وارد زندگی می‌شوند که زوج در آن مسئولیت‌های وقف‌همدیگر بودن و سازندگی و زایش را متعهد می‌شوند. همچنین در منابع به یک روزه سکوت اشاره شده است که وقتی عروس دب اکبر را ببیند، او باید سکوتش را با گفتن این جمله بشکند: «امیدوارم شوهرم عمر طولانی داشته باشد، امیدوارم برایش فرزندان به دنیا آورم.» داماد با لمس قلب عروس دعا می‌کند: «خدایان قلب‌های ما را متحد کنند.»^۵ با این اتحاد قلبی تازه‌داماد برای اولین بار آتش مقدس‌شان را روشن می‌کند. عروس روی پوست گاو می‌نشیند و اولین دلمه به او داده می‌شود تا با این ذکر بخورد: «امیدوارم تمام خدایان قلب‌های ما را یکی کنند.» زوج غذا را با هم تقسیم می‌کنند و مراسم عروسی را به پایان می‌رسانند.^۶ با اتمام گزارش سمسکاره ازدواج نکات مهمی از رسوم و حواشی آیینی این سمسکاره قابل طرح می‌باشد.

فرهنگ غذا و لباس مهمانان

در متون شیوایی تاکید شده است که در طول جشن عروسی یا مراسم مربوط به آن، از رژیم غذایی گیاه‌خواری به هیچ وجهی نباید چشم‌پوشی کرد. گوشت و غذاهای غیر گیاهی نباید مصرف شوند، حتی برای خوشنود کردن مهمانانی که از سایر مذاهب یا جوامع هستند. همچنین باید از تمام هندوهای شرکت‌کننده درخواست شود که

۱. Klaus. Klostermaier, 2007, p.152.

۲. Ṛg veda 10.85.43-46.

۳. Sushil Mittal and Gene Thursby, p.351.

۴. Klaus. Klostermaier, 2007, p.152.

۵. Ṛg veda 10.85.47.

۶. Klostermaier, Klaus K, 2007, p.152.

لباس هندویی رسمی بپوشند.^۱

حمایت از دختر

قوانین هندویی تاکید زیادی بر حمایت از دختری که به خانه بخت می‌رود دارند، لذا در منابع شیوایی آمده است، زمانی که ازدواجی انجام می‌شود، این وظیفه والدین شوهر است که از این ازدواج پشتیبانی کرده و خانه‌ای برای دختر جدیدشان مهیا کنند. برخی منابع متاخر حضور عروس در خانه پدر داماد را نوعی استعمار تلقی نموده و اشاره می‌نمایند که در جامعه مدرن هندو و خصوصا در انجمن شیواییان قابل قبول نیست که از سنت ظالمانه‌ای تبعیت کنند که در آن دختر تحت تکفل و سرپرستی کامل خانواده پسر قرار بگیرد و به ندرت به وی اجازه ملاقات خانواده خودش داده شود. این وظیفه خانواده عروس است که بر حمایت او نظارت کنند و توانایی‌های زوج را برای زندگی با یکدلی و توافق مشاهده نمایند، در حالی که به آن‌ها این آزادی را می‌دهند که در خانه جدید خود مشکلاتشان را با هم حل کنند.^۲

اگر دختر مورد سوء استفاده فیزیکی قرار بگیرد، خانواده‌اش باید در خانه‌شان را برای بازگشت او باز کنند و به او پناه، آرامش و تسلی بدهند و تعهدات قابل اعتمادی را از شوهر بگیرند، مبنی بر این که این مشکل دیگر اتفاق نخواهد افتاد.^۳

وظایف زن در حفظ خانواده و ابراز وفاداری با رسم ساتی

در سنت هندویی وفادارترین زن کسی بود که خود را در خرمن مرده سوزان شوهرش قربانی کند. عده‌ای ریشه‌ی این رسم را در اسطوره ستی می‌دانند.^۴ ستی همسر شیوا به خاطر بی‌حرمتی که به شوهرش، شیوا، کرده بودند خود را در آتش قربانی انداخت و خودکشی کرد. آیین سوزاندن زن هنگام مرگ شوهر نماد وفاداری است. امروزه اگرچه از نظر قانونی این رسم ممنوع شده است اما همچنان در بعضی مناطق انجام می‌شود. در مکان‌های زیارتی، بیوه‌های زیادی مابقی عمرشان را در معابد و تشکیلات مذهبی سپری می‌کنند و دعا‌های طلب برکت را برای ثروتمندانی که برای آن‌ها غذا و سرپناهی فراهم می‌کنند، می‌خوانند.^۵

شریعت منو اظهارات دلنشینی در خصوص مادر دارد که الهه‌ی خانه است و ایزدان خانه را که به زن احترام می‌گذارند غرق در شادی می‌کنند.^۶ وی خانه‌ای را که در آن روابط زنانه کاملاً مورد احترام واقع نمی‌شود، لعنت می‌کند و بیان می‌کند آن خانه چنان نابود می‌شود که گویی سحر و جادو آن را ویران کرده است. خانواده‌ای که

۱. Satguru Sivaya Subramuniyaswami, 2004, Pp.307-308.

۲. Ibid, p.308.

۳. Ibid.

۴. *Indian Gods And Myth*, p.49.

۵. Klostermaier, Klaus K, 2007, p.152.

۶. *Manu smṛti* III, 56.

شوهر از همسرش راضی است و همسر از شوهرش راضی است مطمئناً شادی پایدار خواهد بود.^۱ از طرفی دیگر، منو همچنین مردان را در مقابل زن افسونگر جاودانه هشدار می‌دهد^۲ و حکم‌هایی بیان می‌کند که زن نباید مستقل باشد. زن در دوران کودکی، باید مطیع پدرش باشد، در جوانی مطیع شوهرش و وقتی سرورش بمیرد، مطیع پسرش باشد. او نباید از شوهرش جدا شود. زن وفادار باید همواره شوهر را همچون ایزد پرستد.^۳ زن باید همیشه شاد، ماهر در امور خانه، دقیق در تمیز کردن وسایلش، صرفه جو در هزینه‌ها و وفادار به شوهرش باشد، تا زمانی که شوهرش زنده است یا این که خودش بمیرد.^۴

اهمیت آمیزش و تولید نسل

بنا بر گزارش‌های رسوم و آیینهای هندویی به نظر می‌رسد هدف غایی ازدواج آمیزش و تولید نسل باشد. بنا به اعتقاد آنها باروری و کامیابی در ازدواج همیشه بزرگترین مسئله مهم در فرهنگ هندو بوده است. بنابراین خانواده‌ها برای انتخاب شریک زندگی برای دخترها و پسرهایشان بسیار مراقبت می‌کنند. طبق اسناد معتبر هندو، زن ازدواج نکرده- یا زنی که در طول چرخه باروری‌اش آمیزش جنسی نداشته- مثل زمین حاصلخیزی است که نیروی بالقوه موفقیت‌اش هدر می‌رود. چنین هدر رفتنی، گناه است و به نظر عده‌ای از صاحب‌نظران در موازات سقط جنین است. زیرا فرزندان تسلسل خانواده را تضمین می‌کنند و به اجداد خانواده کمک می‌کنند تا به بهشت بروند و در زندگی بعدی تناسخ بهتری داشته باشند.^۵

تک همسری یا چند همسری و طلاق

ظاهراً قانون سنتی هندوها به مرد این اجازه را می‌داده که تا چهار همسر بگیرد. اما قانون امروزی، قانون تک-همسری است. قانون ازدواج هندوها که در سال ۱۹۵۵ پس از سال‌ها تلاش، و با وجود مخالفت بسیاری از هندوهای سنتی، توسط دولت هند به تصویب رسید و با اصلاحاتی چند در سال ۱۹۷۶ به قانون رسمی ازدواج برای هندوها تبدیل شده است. این کار به قانون ازدواج هندوها، که در چندین شکل منطقه‌ای وجود داشت، وحدت بخشید و همچنین با به رسمیت شناختن ازدواج غیر مذهبی و مجاز دانستن طلاق به تقاضای زن به قانون غربی مدرن نزدیک‌تر شد.^۶

مطابق برخی رسوم قبایل هندویی مرد می‌تواند دوباره با زنی از زیر کاست (زیر طبقه) خودش ازدواج کند. همچنین، اگر زن و شوهر بچه‌دار نشدند مرد می‌تواند مجدداً ازدواج کند. ازدواج دوم معمولاً آشکارا انجام نمی‌-

۱. Ibid. 58 ff.

۲. Ibid. VIII, 68.

۳. Ibid. V, 154.

۴. Ibid., 150.

۵. Sushil Mittal and Gene Thursby, p.349.

۶. Klaus K. Klostermaier, 2007, p.150.

شود زیرا سبب بروز مشکلاتی برای بچه‌های این ازدواج می‌شود. فراتر از ازدواج چند همسری، مه‌بهاراته جامعه-ای را توصیف می‌کند که در آن چند شوهری رواج داشت. درویدی^۱ زنی است که همسر پنج برادر از طایفه‌ی پاندو^۲ شد. این رسم در میان چند قبیله در تپه‌های اطراف تهری گروال^۳ نیز همچنان رواج دارد.^۴ چند همسری گاه در جنوب هند و در مناطق اطراف کوه‌های هیمالایا دیده می‌شود.^۵

بنا بر آنچه که در خصوص اهمیت تحکیم بنیان خانواده ذکر گردید، در آیین هندو، طلاق از نظر قانونی مجاز است اما به ندرت اتفاق می‌افتد. جدایی قانونی است اما امری ناپسند است و در صورتی امکان‌پذیر است که خانواده دختر، دختر را بازگردانند.^۶

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به بررسی آیین‌های گذار در سنت شیوایی پرداخته شد. بنا به تعریفی که ارائه گردید، آیین‌های گذار مجموعه آیین‌های بودند که هر فرد در گذر از یک مقطع زندگی به مقطع دیگر انجام می‌دهد، یا برایش انجام می‌دهند؛ به عبارت دقیق‌تر، مناسک گذار، دسته‌ای از شعائر هستند که گذر شخص را از یک مرحله، نقش و یا از یک موقعیت اجتماعی به مرحله دیگر مشخص می‌کند، و تجربه‌های فرهنگی و انسانی را با تقدیر زیستی، تولد و تولیدمثل و مرگ، ادغام می‌کند. این مناسک که در همه گروه‌ها بین جوان و پیر، مونث و مذکر، مرده و زنده تمایز می‌گذارد، در چهار مقطع آیینی شامل، تولد، تشریف، ازدواج و مرگ انجام می‌شود.

در کتب سنتی هندوها و گزارش‌های منقول از آن، بیش از ۴۰ آیین فهرست شده‌است. تقریباً می‌توان گفت هندوئیسم دارای یکی از گسترده‌ترین نظام‌های آیین‌های چرخه‌ی زندگی است. این سنت، آیین‌های گذار لحظه-های حساس و مهم در زندگی انسان را از تولد تا مرگ مشخص می‌کند، البته امروزه تقریباً ۱۶ سمسکاره در زندگی آن‌ها جایگاه خود را حفظ کرده و هم‌چنان سعی در انجام آن دارند.

در خصوص دین شیوایی نیز اشاره گردید که شیواییان به عنوان یکی از شاخه‌های هندوئیسم میراث‌دار بخشی از این آداب و رسوم یا سمسکاره‌های متعدداند. این سنت با شاخه‌های دیگر هندوئی در انجام سمسکاره‌های مرسوم اشتراک پرمعنایی داشته و فقط در نحوه برگزاری برخی از آنها با دیگر فرقه‌ها تفاوت دارد و یا برای توضیح فلسفه وجودی آن‌ها تفسیر خاص خود را ارائه می‌کند. به طور کلی هدف از برگزاری این مناسک در این سنت، رسمیت دادن، متبرک ساختن، تعیین وظایف و حقوق افراد، حفظ پیروان در مقابل آثار زیان بخش محیط

۱. Draupadī.

۲. Pāṇḍava.

۳. Tehrī Garhvāl.

۴. Klaus K. Klostermaier, 2007, p.150.

۵. Axel Michaels, p.115.

۶. Ibid, p.113.

و در نهایت ارتباط سازنده افراد با ایزدان است.

سمسکاره ازدواج شامل مجموع آداب انتخاب همسر تا انجام اعمال زناشویی است، در این مرحله از زندگی، مرد نمادی از ایزد شیوا و زن نمادی از ایزدبانوی شکتی است، ازدواج و پیوند آن‌ها نیز جلوه‌ای از ارتباط و پیوند شیوا با شکتی است. جوان شیوایی برای نخستین بار پس از ازدواج هم‌هی عقاید خود درباره شکتی و ارتباط شیوا و شکتی را عملاً ادا می‌کند؛ به گونه‌ای که زن و مرد خود را در نقش شیوا و شکتی می‌یابند. در تعهد کتبی که هر دو پیش از ازدواج می‌نویسند و پس از ازدواج نیز به مناسب‌های مختلف به آن مراجعه می‌کنند، نماد کاملی از اعتقاد آن‌ها به آموزه‌های شیوا و شکتی است به گونه‌ای که اگر یکی از زن و مرد در انجام وظایف و تعهداتش کوتاهی کند، مثل این است که در مقابل ایزدان کوتاهی کرده است. مرد پس از ازدواج عقیده و احترامش به شکتی قوی‌تر می‌شود، همسرش را چون شکتی می‌بیند، وقتی که به همسرش احترام می‌گذارد و منزلت او حفظ می‌کند گویی به شان و مقام شکتی شیوا احترام گذاشته است، زن نیز مرد را چون خدای خود، شیوا می‌داند و انجام اوامر او را مثل انجام وظیفه در مقابل شیوا تلقی می‌کند.

منابع

۱. الیاده، میرچا، مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله زنگوئی، انتشارات سروش، ۱۳۷۵.
۲. ایونس ورونیکا، اساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳.
۳. بَراز ونگو، مدهو، هندوئیسم، ع. پاشایی، نشر ادیان. (در دست چاپ، با اجازه از سرویراستار آقای علیرضا شجاعی)
۴. جان آر. هینلز، فرهنگ ادیان جهان، سرویراستار ع. پاشایی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۶.
5. Bhandarkar, Sir R. G., "Vaisnavism, Śaivism and Minor Religious Systems", Varanasi, 1965.
6. Daniélou, Alain, *The Myths and Gods of India*, inner Traditions International, 1991.
7. Devdutt Pattanaik, *SHIVA, an Introduction*, Vakils, Feffer and Simons Ltd, 1997.
8. *Indian Gods and Myth*, Grange, 1998.
9. Marshall, John, *Mohenjodaro and the Indus Civilisation*, New Delhi, 1996.
10. Gwynne, Paul, *World Religions in Practice*, Blackwell Publishing, 2009.
11. Klostermaier, Klaus K., *A Survey Of Hinduism*, State University of New York, 2007.
12. Michaels, Axel, *Hinduism: past and present*, Princeton University Press, 1998.
13. Mittal, Sushil and Gene Thursby, *the Hindu World*, Routledge, 2004.
14. Moor, Edward, *The Hindu Pantheon*, New York, 1964.
15. N.R. Bhatt, "*SHAVISM in the light of Epics, Puranas and Agamas*", Indica books, 2008.
16. Pandey, Rajbali, *Hindu Samskaras, Delhi: Motilal Banarsidass*, 2002.
17. Pattanaik, Devdutt, *SHIVA An Introduction*, Vakils, Feffer and Simons

- Ltd, 1997.
18. Satguru Sivaya Subramuniyaswami, *Dancing with Śiva*, Himalayan Academy, 2003.
 19., *living with Śiva*, Himalayan Academy, 2004.
 20., “*merging with Śiva*”, Himalayan, Academy, 2005.
 21. *The Hymns of Rg Veda*, R. T. H. Griffith (ed. & trans.), 1963.
 22. Winand M. Callewaert, *Gods and Temples in South India*, Manouhar, 2005.